

ایثار در کربلا

<?xml encoding="UTF-8?">

ایثار، مقدم داشتن دیگری بر خود است، چه در مسائل مالی و چه در موضوع جان. این صفت نیک یکی از خصلت‌های ارزشمند اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات، مورد ستایش فراوان است و از وارستگی انسان از «خودخواهی» سرچشمه می‌گیرد. قرآن از مومنانی یاد می‌کند که با آن که خودشان نیازمندند، دیگران را بر خویشتن مقدم می‌دارند: «و يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (1)

گذشتن از خواسته‌های خود و نیز چشم پوشیدن از آنچه مورد علاقه انسان است، به خاطر دیگری و در راه دیگری «ایثار» است. اوج ایثار، ایثار خون و جان است. ایثارگر، کسی است که حاضر باشد هستی و جان خود را برای دین خدا فدا کند، یا در راه رضای او از تمنیات خویش بگذرد.

در صحنه عاشورا، نخستین ایثارگر، سیدالشهدا علیه‌السلام بود که حاضر شد فدای دین خدا گردد و رضای او را بر همه چیز برگزید و از مردم نیز خواست کسانی که حاضرند خون خود را در این راه نثار کنند، و با او همسفر کربلا شوند. (2)

اصحاب آن حضرت نیز، هر کدام ایثارگرانه جان فدای امام خویش کردند. در طول حوادث عاشورا نیز صحنه‌های زیبایی از ایثارگری دیده می‌شود.

وقتی نیروهای ابن زیاد، آگاه شدند که مسلم بن عقیل در خانه هانی بن عروه است، هانی را احضار کردند و از او خواستند که مسلم را تسلیم آنان کند. او می‌توانست با سپردن مسلم به دست آنان، جان خویش را نجات بخشد، اما حاضر شد در راه مسلم کشته شود ولی او را تسلیم نکند. در مقابل درخواست تهدیدآمیز آنان گفت:

«به خدا سوگند، اگر تنها و بی‌یاور هم بمانم، هرگز او را تسلیم شما نخواهم کرد، تا آن که در راه حمایت از او بمیرم!» (3)

وقتی مسلم بن عقیل را به دارالاماره بردند، پس از گفت و گوهایی تندی که رد و بدل شد و تصمیم به کشتن او گرفتند، مسلم گریست. یکی از حاضران گفت:

کسی که در پی چنین خواسته‌هایی باشد نباید گریه کند (و باید پیش‌بینی این روزها را هم بکند) مسلم گفت: بر خودم گریه نمی‌کنم، بلکه برای حسین علیه‌السلام و خانواده او می‌گریم. (4)

این نیز ایثارگری او را نشان می‌دهد که در آستانه شهادت، اگر هم گریه می‌کند نه بر حال خویش، که بر حسین می‌گیرد که طبق گزارش او از وضع کوفه، روی به این شهر پرنیرنگ و مردم پیمان شکن نهاده است.

وقتی امام حسین علیه‌السلام به فرزندان عقیل و مسلم بن عقیل فرمود که شهادت مسلم برایتان کافی است، شما صحنه را ترک کنید، یک‌صدا گفتند: به خدا سوگند چنین نخواهیم کرد. جان و مال و خانواده و هستی خود را فدای تو می‌کنیم و در رکابت می‌جنگیم تا شهادت. (5)

اظهارات ایثارگرانه یاران امام در شب عاشورا مشهور است؛ یک به یک برخاستند و آمادگی خود را برای جانبازی و ایثار خون در راه امام اظهار کردند. از آن همه سخن، این نمونه از کلام مسلم بن عوسجه کافی است که به امام عرض کرد:

«هرگز از تو جدا نخواهم شد. اگر سلاخی برای جنگ با آنان هم نداشته باشم، با سنگ با آنان خواهم جنگید تا همراه تو به شهادت برسم.» (6)

سخنان سعید بن عبدالله حنفی، زهیر بن قین و دیگران، جلوه‌های روشن و ماندگاری از این روحیه ایثارگری است. طبق نقلی سخن گروهی از آنان چنین بود: «به خدا قسم از تو جدا نخواهیم شد! جان‌هایمان فدای توست، تو را با ایثار خون، چهره و اعضای بدن حمایت می‌کنیم.» (7)

آری... خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست. حضرت زینب علیهما السلام عصر عاشورا هنگام حمله سپاه کوفه به خیمه‌ها و غارت اشیاء چون دید شمر با شمشیر آخته قصد کشتن امام زین العابدین را دارد، فرمود: او کشته نخواهد شد مگر آن که من فدای او شوم. (8)

پیشوای نهضت، به پشت‌گرمی حامیان ایثارگر، گام در مراحل دشوار و پرخطر می‌گذارد. اگر آمادگی پیروان برای ایثار مال و جان و گذشتن از راحتی و زندگی نباشد، رهبر تنها می‌ماند و حق، مظلوم و بی‌یاور. در انقلاب کربلا، امام و خانواده و یارانش دست از زندگی شستند، تا دین خدا بماند و کشته و اسیر شدند، تا حق زنده بماند و امت، آزاد شوند، و اصحاب شهید امام، تا زنده بودند، اجازه ندادند از بنی‌هاشم کسی به میدان رود و کشته شود. بنی‌هاشم هم تا زنده بودند، جان فدا کردند و در راه و رکاب امام به شهادت رسیدند و حسین بن علی علیه السلام شهید آخرین بود که وقتی به دشت کربلا نگریست، از آن همه یاران و برادران و اصحاب، کسی نمانده بود.

جلوه دیگری از ایثار، در کار زیبای حضرت ابوالفضل علیه السلام بود: ابتدا امان ابن زیاد را که شمر آورده بود رد کرد آنگاه در شب عاشورا اظهار کرد که هرگز از تو دست نخواهیم کشید، خدا نیاورد زندگی پس از تو را. روز عاشورا نیز وقتی با لب تشنه وارد شریعه فرات شد تا برای امام و کودکان تشنه آب آورد، پس از پر کردن مشک، دست زیر آب برد تا بنوشد، اما با یادآوری کام تشنه حسین علیه السلام، ایثارگری و وفای او اجازه نداد که آب بنوشد و امام حسین علیه السلام و کودکان تشنه باشند و تشنه‌کام، گام از فرات بیرون نهاد (9) و تشنه لب شهید شد. باز هم در اوج نیاز، آب ننوشیدن و به فکر نیاز دیگران بودن.

آب شرمنده ز ایثار عملدار تو شد

که چرا تشنه از او این همه بی‌تاب گذشت

سعید بن عبدالله، جلوه دیگری از ایثار را در کربلا به نمایش گذاشت و هنگام نماز خواندن امام، خود را سپر تیرهایی ساخت که از سوی دشمن می‌آمد. وقتی نماز امام به پایان رسید، او سیزده تیر بر بدن داشت و بر زمین افتاد و شهید شد. (10)

خصلت و صف عاشورایی را کسی دارد که حاضر باشد به خاطر خدا، در راه دیگری فداکاری کند و ایثارگری نماید.

پی‌نوشت‌ها:

1- حشر (59)، آیه 9 .

2- بحارالانوار، ج 44، ص 366 / حیات الامام الحسین بن علی، ج 3، ص 48

3- والله لو لم اکن الا واحدا لیس لی ناصر لم ادفعه الیه حتی اموت دونه (وقعة الطف، ص 119) مقتل خوارزمی، ج 1، ص 205 .

4- مقتل خوارزمی ج 1، ص 211 .

5- همان .

6- وقعة الطف، ص 198 .

7- والله لا نفارقک و لکن انفسنا لک الفداء، نقیک بنحورنا و جباهنا و ایدینا... (همان، ص 199)

8- لا يقتل حتى أقتل دون (مقتل الحسين، مقوم، ص 387)

9- مقتل الحسين، مقوم، ص 336 .

10- همان، ص 304.

منبع: پیام‌های عاشورا، جواد محدثی .